

چالش‌های بنیادین جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با سند توسعه پایدار (سند ۲۰۳۰)

دریافت: ۹۸/۲/۱۴

تأیید: ۹۸/۵/۵

سیدمحمد مهدی غمامی*

و نیلوفر مقدمی خمایی**

چکیده

حق بر توسعه و گفتمان توسعه پایدار در بستر حقوق جهانی بشر در سال‌های اخیر، موجی از اسناد منطقه‌ای و جهانی را به دنبال داشته است. از این میان، سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ بویژه هدف چهارم آن در بستر اندیشه‌های اومانیستی و سکولار غربی، به تحمیل قرائت‌هایی غالب و خاص در نظام سیاست‌گذاری، قانونگذاری، برنامه‌ریزی و مقررات‌گذاری کشورهای جهان می‌پردازد. در این مقاله نگارندگان ضمن تمرکز بر معنای توسعه و توسعه‌یافتگی و همچنین مؤلفه‌های آن در سند ۲۰۳۰، به این سؤال پاسخ می‌دهند که «چالش‌های بنیادین جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با سند توسعه پایدار (سند ۲۰۳۰) چیست؟». مؤلفه‌های چالش‌برانگیزی چون آموزش جامع جنسیتی، رفع خشونت، رفع کلیشه‌های جنسیتی، توجه ویژه به حقوق گروه‌های آسیب‌پذیر و ... به عنوان گزاره‌های سنجش توسعه‌یافتگی جوامع تعیین شده‌اند که با قالب فرهنگی - اجتماعی ایران به عنوان کشوری دارای تمدن چند هزار ساله و کاملاً مذهبی سازگار نیست و با سیاست‌های کلی و الگوهای پیشرفت ملی وی، بشدت متضاد و متهاافت است. این امر، تعارض میان حق بر توسعه و توسعه پایدار به عنوان حقوقی جهان‌شمول از یک سو و تنوع فرهنگی کشورهای مختلف از جمله جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر را در پی دارد. روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی است.

واژگان کلیدی

سند توسعه پایدار، تنوع فرهنگی، نفی سبیل، قانون اساسی، سند ۲۰۳۰

* عضو هیأت علمی گروه حقوق عمومی و بین الملل دانشگاه امام صادق 7 :ghamamy@isu.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه علامه طباطبائی: n_moghaddami@atu.ac.ir



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني

مقدمه

«توسعه» یکی از مفاهیم قدیمی در ادبیات جهانی است که ریشه شکل‌گیری آن به انقلاب صنعتی بازمی‌گردد (مشهدی، ۱۳۹۴، ش ۱، ص ۲۰۸). برخی بر این باورند که نخستین بار این اصطلاح از سوی «آدام اسمیت»^۱ در کتاب «ثروت ملل»،^۲ بکارگرفته شده است (فراهانی‌فرد، ۱۳۸۴، ش ۲۰، ص ۱۱۲). اصطلاح «توسعه» پس از انقلاب صنعتی، مترادف «رشد اقتصادی»^۳ بویژه برای کشورهایی که تا پیش از این مستعمره بودند، قلمداد می‌شد. این مفهوم در دهه ۱۹۸۰ میلادی، همزمان مؤلفه‌هایی چون «توسعه اجتماعی»، «توسعه زیست‌محیطی» و «توسعه انسانی» را نیز شامل شد (مشهدی، ۱۳۹۴، ش ۱، ص ۲۰۹).

رفته رفته با فاصله‌گرفتن کشورها از دوران انقلاب صنعتی، رویش نوینی از معنای «توسعه» در جهان متبلور شد. جامعه جهانی در قرن بیستم میلادی با حجم گسترده‌ای از تخریب محیط زیست طبیعی و حتی حیات انسانی مواجه شده بود و همین امر در کنار تحولات گسترده حقوق بین‌المللی بویژه در چارچوب حقوق بشر و ظهور و بروز نسل سوم آن، بستر جدیدی از مفهوم توسعه با وصف «پایدار»^۴ را بوجود آورد (آقای، ۱۳۸۲، ش ۵۹، ص ۱۴-۱۲).

در آغازین سال‌های دهه هفتاد میلادی، انسان به عنوان مهمترین عامل مؤثر پایداری جهان پیرامون بشمار می‌آمد و «توسعه پایدار» نیز تنها راه برون‌رفت از بحران موجود قلمداد می‌شد (Flint & Houser, 2001.p6). این تلقی نوین از معنای «توسعه» تا جایی پیش رفت که هرآنچه از سبک و مدل زندگی انسانی و تأثیر آن بر توسعه پایدار تفسیر می‌شد، عبارت بود از فرهنگ؛ چرا که به تعبیر «ورسلی»^۵ فرهنگ عبارت است از: «آنچه طرح خاصی را شکل می‌دهد، اینکه چگونه زندگی کنیم» (Braden & Mayo, 1999.p191). این بدان معنا است که از دهه هفتاد میلادی به بعد، چگونگی حیات انسان بر کره خاکی و ارتباط آن با جهان پیرامون، همه در فرهنگ زیست فردی و جمعی و در قالب برنامه «توسعه پایدار» متصور بود.

بسیاری از صاحب‌نظران این حوزه بر این باورند که بحران منابع طبیعی امروز ناشی از ضعف سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی موجود است. همچنین می‌توان موانع موجود بر سر راه آن را در فرهنگ‌ها و سنن بومی کشورها جستجو کرد (Schmuck & Schultz, 2002.p4).

بعد انسانی در توسعه پایدار، مستلزم محور قراردادن انسان در محور تعاملات و اقدامات است (آقایی، ۱۳۸۲، ش ۵۹، ص ۱۵). اتخاذ چنین رویکردی بدین معنا است که هدف از توسعه پایدار، اولاً و بالذات تأمین نیازهای بشر و بالتبع امنیت فعلی و آتی وی است که در ادبیات حقوق بین‌الملل از آن به «دکترین امنیت انسانی»^۶ تعبیر می‌شود (شریفی طرازکوهی و مصطفی‌لو، ۱۳۹۵، ش ۳۳، ص ۱۱۰). حد فاصل میان دکترین امنیت انسانی و توسعه پایدار را مفهومی به نام «حق بر توسعه» به عنوان یکی از حقوق بشر نسل سوم،^۷ پر می‌کند و همین امر پیوند وثیقی میان حقوق بشر و توسعه پایدار برقرار می‌سازد (همان).

تحولات مفهومی توسعه پایدار

همانگونه که پیش از این اشاره شد، برخی بر این باورند که مفهوم توسعه بویژه توسعه اقتصادی در دوران انقلاب صنعتی اروپا و تغییر چارچوب‌های فکری - نظری حاکم بر آن جوامع شکل گرفته است. «دیوید بارتچی»^۸ به عنوان مدیر اجرایی و یکی از مدرسین و اساتید دانشگاه مجازی ایالت کلرادو در زمینه توسعه اجتماع‌محور، با عنوان «برنامه روستایی زمین»^۹ در زمینه تاریخچه شکل‌گیری توسعه پایدار می‌گوید: اگرچه توسعه مفهومی نسبتاً کهن است، اما معنای نوین آن در پس تحولات جنگ جهانی دوم و بویژه با دکترین ترومن در ذهن ما شکل گرفته است. دکترین ترومن متشکل از استراتژی‌های مختلف و متنوعی در برابر روسیه بود. یکی از این برنامه‌ها با عنوان برنامه مارشال^{۱۰} به دنبال مقابله با شوروی سابق از طریق توسعه اقتصادی اروپا بود که از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۱ میلادی بالغ بر ۱۳ میلیارد دلار بر بودجه ایالات متحده تحمیل نمود. بعد از برنامه ترومن «دکترین مهار»^{۱۱}، به سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در قبال

شوروی بدل شد. طبق این دکترین آمریکا از یکسو تمام توان و تمرکز خود را بر تجهیز و توانمندسازی نظامی هم‌پیمانان اروپایی خود گذاشت و از سوی دیگر کمک‌های خارجی توسعه‌ای خویش را بیش از پیش بین‌المللی نمود (Bartecchi, 2015, July, 5).

بنا بر این عبارات، می‌توان دریافت که اولاً توسعه نه یک مفهوم حقوق بشری، بلکه ذاتاً ابزاری برای زورآزمایی نظام امپریالیستی در برابر نظام کمونیستی و در جهت فروپاشی آن بوده است. او معتقد است:

اگرچه دوره جنگ سرد یادآور مسابقه تسلیحات هسته‌ای و جنگ نیابتی است، اما توسعه نیز ابزار خاصی در مناسبات و زورآزمایی‌های آمریکا و متحدانش علیه روسیه و هم‌پیمانانش به حساب می‌آمد. بنابراین، معنای نوین توسعه که ریشه در دوره پسا جنگ جهانی دوم داشت، ذاتاً دو هدف را دنبال می‌نمود: اول جلوگیری از رشد اندیشه و قدرت کمونیسم و دوم افزایش محبوبیت و منافع ایالات متحده و هم‌پیمانانش (همان).

«بارتوچی» در ادامه با تأکید بر اینکه اوج تغییر نگرش‌ها در این زمینه با پایان جنگ جهانی رقم خورده است، می‌افزاید کشورهای غربی بر این باور بودند که می‌توان با انتقال فناوری و زیرساخت، زمینه توسعه صنعتی را در کشورهای فقیر فراهم نمود. این استراتژی که بعدها به «نظریه مدرن‌سازی»^{۱۲} شهرت یافت، توسط «روستو»،^{۱۳} مشاور «کندی» و «جانسون» در سال ۱۹۶۲ متبلور شد و به اوج خود رسید (همان).

«روستو» در کتاب خود با عنوان «مراحل رشد اقتصادی: مانیفست غیر کمونیستی»^{۱۴} به روشنی نظریه مدرن‌سازی را بهترین جایگزین استراتژی توسعه‌ای شوروی معرفی کرد و پنج مرحله تا رسیدن به جامعه مدرن تعریف نمود. تأکید بر این مراحل، سبب شکل‌گیری جهان اول، دوم و سوم در ادبیات حقوق بین‌الملل شد (مولانا، ۱۳۸۷، ص ۲۳). با توجه به مطالب گفته‌شده می‌توان دریافت که نظریه مدرن‌سازی از جمله راهبردهای ایالات متحده برای مقابله با نظام کمونیستی و تقویت پایه‌های قدرت خود

بود. به باور برخی تحلیل‌گران، تمامی کمک‌های تحت عنوان توسعه و مدرن‌سازی کشورها، بهانه‌ای بیش برای شکست بلوک شرق نبود (James, 1997, p.205).

اما پرسش اساسی آن است که چه چیز توسعه پایدار را به محیط زیست پیوند داد. در سال ۱۹۶۲ میلادی نویسنده آمریکایی «راشل کارسون»^{۱۵} با نگارش کتابی تحت عنوان «بهار خاموش»^{۱۶} به انتقاد از آلودگی‌ها و کاربرد سموم در آمریکا پرداخت (Paul, 2013, p.2). در سال‌های بعد، وقایعی نظیر سفر به فضا و بحران نفت در دهه ۱۹۷۰ میلادی سبب شد تا نگرانی بین‌المللی از وضعیت رو به تخریب کره زمین همه‌گیر شود (Roosa, 2010, pp.18-27). در سال ۱۹۷۲ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد با برگزاری نخستین کنفرانس محیط زیست انسانی در استکهلم، نقش محیط زیست در توسعه را تبیین نمود (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۵، ش ۴۹، ص ۴۵). موضوع توسعه پایدار پس از کمیسیون برانتلند، در «اجلاس زمین»^{۱۷} ۱۹۹۲ میلادی مطرح و منجر به تصویب سند «دستور کار ۲۱»^{۱۸} شد (آقایی، ۱۳۸۲، ش ۵۹، ص ۱۵). فصل سی و ششم این دستور کار ۴۰ فصلی، با عنوان «آموزش، آگاهی و تعلیم عمومی»^{۱۹} به مباحث آموزشی می‌پرداخت و بیان می‌داشت که تحقق توسعه پایدار ارتباط تنگاتنگی با آموزش آن در میان ملل مختلف دارد.

سند اهداف توسعه هزاره در سال ۲۰۰۰ میلادی (به مدت ۱۵ سال) به تصویب رسید. علی‌رغم تصویب این دو سند توصیه‌ای تا سال ۲۰۱۴ میلادی موفقیت‌های چشم‌گیری در دستیابی به اهداف آنها ملاحظه نشد (Lemons & Brown, 1995, p.4). آمار تشدید بیابان‌زایی در مناطق کویری جهان، از بین رفتن بخش گسترده‌ای از پوشش‌های گیاهی و جنگل‌ها، انقراض گونه‌های مختلف ماهیان آزاد به واسطه صید بی‌رویه و سایر مسائل نیز گویای ناکارآمدی دستور کار ۲۱ و سند توسعه هزاره بود (Lucena & Gummer, 2015, Jun, 12).

شکست دستور کار ۲۱، پس از بیست سال؛ یعنی در سال ۲۰۱۲ میلادی، کشورهای جهان را بار دیگر گرد هم آورد تا اجلاس ریو+۲۰ را برگزار کنند. در این اجلاس، قرار بر آن شد که به جای رویکرد تک بعدی نسبت به توسعه پایدار، سه محور اجتماعی،

اقتصادی و زیست‌محیطی بصورت همزمان و در هم‌تنیده مد نظر قرار گیرد. در این اجلاس، تصمیم گرفته شد که از زمان اتمام دوره دستور کار ۲۱ در سال ۲۰۱۵ میلادی تا سال ۲۰۳۰ میلادی دستور کار و چارچوب اقدام مؤثرتر و کارآمدتری برای اهداف هفده‌گانه توسعه پایدار نگاشته شود و به تأیید دولت‌ها برسد (Patriota; 2012, Jun, 20). نهاد یونسکو به عنوان آژانس تخصصی آموزش و فرهنگ ملل متحد از سال ۱۹۹۲ میلادی وظیفه تحقق اهداف آموزشی سند توسعه پایدار را بر عهده گرفت و با همراهی و همکاری نهادهای مختلف بین‌المللی نشست جهانی آموزش را در اینچئون کره جنوبی به تاریخ ۱۹ الی ۲۲ ماه می سال ۲۰۱۵ میلادی برگزار نمود. بحث آموزش و توسعه پایدار پیوندی عمیق در منظومه فکری - عملی یونسکو دارند. در بخشی از مقدمه سند اهداف آموزشی «آموزش در راستای اهداف توسعه پایدار»^{۲۰} یونسکو این عبارات به رشته تحریر درآمده‌اند:

حرکت سند آموزش ۲۰۳۰ یونسکو هیچگاه چنین پرقدرت نبوده است. مسائل جهانی امروز ضرورت تغییر سبک زندگی و تحول افکار و رفتار ما را می‌طلبد. برای دستیابی به این تغییر باید در مهارت‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای خود تجدید نظر کنیم تا به جوامعی پایدارتر دست یابیم. سیستم‌های آموزشی باید از طریق تعریف موضوعات آموزشی مرتبط و محتوای آموزشی به این نیاز و ضرورت انکارناکردنی پاسخ گویند. آموزش نه تنها یکی از اهداف توسعه پایدار، بلکه یکی از ابزارهای دستیابی و تحقق سایر اهداف این سند نیز هست (UNESCO, 2017, p.7).

در واقع آموزش از یک‌سو ابزار تغییر فرهنگی و به عبارتی از میان‌برداشتن موانع توسعه پایدار و از سوی دیگر، یکی از اهداف هفده‌گانه آن است. در ادامه تفاوت‌ها و تناقضات آشکار این سند با منظومه فکری جمهوری اسلامی ایران بحث خواهد شد.

سند ۲۰۳۰ و تعارضات فکری - عملی با اسناد راهبردی جمهوری اسلامی ایران

سند آموزش ۲۰۳۰ یونسکو خود متشکل از دو سند؛ یعنی بیانیه اینچئون^{۲۱}

و چارچوب اقدام^{۲۲} است. در دو سند یادشده عبارات و اصطلاحات مناقشه‌برانگیزی به عنوان اهداف و راهبردهای آموزشی مطرح شده‌اند که مروج ارزش‌های اومانیستی، سکولاری و لیبرالی است و با منظومه فکری - عملی نظام اسلامی ایران در تضاد است. این موضوعات که در قالب سیاستگذاری و قانونگذاری منجر به نقض قاعده نفی سبیل خواهد شد، عبارت‌اند از:

دیدگاه بشرمحور

بند پنجم بیانیه اینچئون به صراحت از غلبه و تسلط دیدگاه و آموزه‌های بشرگرایانه سخن بمیان آورده است. دیدگاه و رویکرد بشری (Humanistic Vision)، رویکرد فلسفی غرب در مواجهه با حوزه‌های مختلف دانش از جمله حقوق و اخلاق و سیاست است. بر پایه دیدگاه بشرمحور و دیدگاه اومانیستی، خواست و اراده انسان، متعالی‌ترین مرجع تعیین اهداف جامعه انسانی است. به همین مناسبت، با تغییر نیازها و خواست‌های انسان، حقوق و اخلاقیات وی نیز تغییر می‌یابند (تونی، ۱۳۷۸، ص ۲۸).

در نقطه مقابل، دیدگاه اسلام و تمامی ادیان آسمانی بر محوریت خالق و تعریف سایر مناسبات عالم بر گرد وی است. دین مبین اسلام جامعه متعالی انسانی را، نه بر پایه خواست و اراده متحول و متغیر بشر، بلکه بر پایه نیازهای طبیعی و فطری وی و همچنین مصلحت خاصه پروردگار تعیین و تبیین می‌نماید (مقدمی، ۱۳۹۱، ص ۴۲). بر همین سبیل، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در بند ۱ و ۲ اصل دوم خود مقرر می‌نماید:

جمهوری اسلامی ایران بر پایه ایمان به: ۱. خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او. ۲. وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین... که از راه: الف) اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرائط بر اساس کتاب و سنت معصومین (سلام‌الله‌علیهم اجمعین). ب) استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها. ج) نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.

در این مدل اختصاصی شارع مقدس تبیین‌کننده و تعیین‌کننده حقوق و تکالیف جامعه انسانی است و نمی‌توان هر اراده و خواست نامشروعی از انسان را محور حقوق و تکالیف وی دانست. به علاوه آنکه ترجیح رویکرد بشری موجب نقض قاعده نفی سبیل را فراهم می‌کند و ترجیح نامشروعی بر ارزش‌ها و موازین اسلامی محسوب می‌شود که نه بر اساس نظام هنجاری جمهوری اسلامی ایران و نه بر مبنای عقل عرفی صیانت از منافع ملی قابل پذیرش نیست.

این مسأله نقطه آغازین اختلاف منش و رویکرد میان سند آموزش ۲۰۳۰ با اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران را به خوبی نشان می‌دهد. در واقع این تفاوت رویکرد و دیدگاه، دو مدل تربیتی و آموزشی مختلف را برمی‌تابد که نمی‌توانند در محتوا سازگار باشند. به دیگر سخن، در مدل بشرگرای غربی که سند ۲۰۳۰ بدان اذعان نموده باید حقوق بشر مبتنی بر محوریت بشر و خواست وی تبیین و محافظت گردد؛ در حالی که در مدل تربیتی اسلامی و قوانین تابع آن بویژه در مقدمه، بند ۶ اصل دوم و اصل پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران،^{۳۳} انسان متعالی تابع احکام الهی است، مصلحت پروردگار را پذیرفته و در راستای اعتلای روحی و جسمی خود گام بر می‌دارد. مدل تربیتی مورد نظر نظام اسلامی علاوه بر قانون اساسی، در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز منعکس شده است. یکی از گزاره‌های اساسی تربیتی نظام جمهوری اسلامی ایران در بند ۹ بیانیه ارزش‌های سند تحول، چنین مقرر شده است:

گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی عبارتند از: ۹. کرامت ذاتی و اکتسابی انسان و کسب فضایل اخلاقی از جمله: ایمان، تقوا، تولی و تبری، عمل صالح، خودباوری، روحیه مجاهدت، ظلم‌ستیزی، علم، حکمت، عفت، شجاعت، عدالت، صداقت، ایثار و فداکاری.

تساوی جنسیتی

دومین کلیدواژه اختصاصی سند توسعه پایدار و همچنین سند آموزش ۲۰۳۰، موضوع تساوی جنسیتی (Gender Equality) است. این اصطلاح در بندهای ۷ و ۸

بیانیه اینچئون و همچنین صفحه ۲۵ چارچوب اقدام سند، به صورت مبسوط مطرح شده است.

در صفحه ۲۵ سند چارچوب اقدام آمده است که:

وقتی سند از عدم نادیده گرفتن حتی یک نفر سخن بمیان می‌آورد، بدین معنا است که همه افراد فارغ از جنسیت،^{۲۴} سن، نژاد، رنگ، قومیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، منشای ملی یا اجتماعی، مالکیت و تولد^{۲۵} و همچنین افراد دارای معلولیت، مهاجران، بومیان، کودکان و جوانان بویژه افراد در معرض شرایط آسیب‌پذیر و سایر وضعیت‌ها باید در این چارچوب یکسان باشند.

همچنین در ادامه بند ۵ در همان صفحه متذکر می‌شود که: «دستورالعمل آموزشی ۲۰۳۰ یک سند جهانی است که به همه جهان تعلق دارد و در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه باید یکسان باشد».

بنابراین، هرگونه تفکیک کمی و کیفی در امر آموزش از هر نظر می‌تواند تبعیض قلمداد شود و همه موانع موجود تا سال ۲۰۳۰ میلادی باید از میان برداشته شود؛ به علاوه دستیابی به هدف چهارم توسعه پایدار و سایر اهداف آن برای همه کشورها یکسان است و نمی‌توان به بهانه توسعه‌نیافتگی و عدم وجود زیرساخت یا تعارض قانونی و ... از زیر آن شانه خالی نمود.

در ادامه، در انتهای بند ۱۰، چارچوب اقدام تعریف خود از تساوی جنسیتی را روشن می‌سازد:

تساوی جنسیتی، ارتباطی جدایی‌ناپذیر با حق آموزش برای همگان دارد. دستیابی به تساوی جنسیتی متضمن اتخاذ رویکرد حق‌محوری است که نه تنها دسترسی کمی زنان و دختران را بطور مساوی با مردان و پسران تضمین می‌کند، بلکه این تساوی را در درون آموزش و از طریق آن قدرتمند می‌سازد.

بند ۲۰ چارچوب اقدام اضافه می‌کند: «سیستم‌های آموزشی بمنظور تضمین تساوی

جنسیتی باید صراحتاً در جهت محو تعصبات و تبعیضات جنسیتی ناشی از باورها و رویه‌های فرهنگی - اجتماعی و وضعیت‌های اقتصادی گام بردارند.

این عبارات گویای آن است که بحث از تساوی تنها یک مقوله کمی و مرتبط با تعداد نیست؛ یعنی به عبارت بهتر، سند ۲۰۳۰ یونسکو تنها در پی ایجاد تساوی در تعداد آموزندگان نیست، بلکه محتوای آموزشی را نیز بر مبنای این تساوی، تهیه و تنظیم می‌کند. برای روشن شدن این مطلب بهتر است نیم‌نگاهی به تفسیر یونسکو از آموزش داشته باشیم: یونسکو بر اساس بیانیه عمومی شماره ۱ خود در سال ۲۰۰۱ میلادی نسبت به بند ۱ ماده ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک اعلام نمود که حق کودک بر آموزش، نه تنها ناظر بر دسترسی (کمی) وی به آن، بلکه ناظر به محتوا (آموزش کیفی) نیز می‌باشد.^{۲۶}

یونسکو بر این باور است که تحقق اهداف آموزشی توسعه پایدار تنها از طریق گنجانیدن محتوای آموزشی بند ۱ ماده ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک امکان‌پذیر است. برخی از قسمت‌های محتوایی این آموزش همانند ترویج مؤلفه‌های حقوق بشر غربی (همچون آموزش مفاهیمی نظیر جامعه آزاد)^{۲۷} و همچنین تشابه حقوق زن و مرد در این کنوانسیون با برخی از احکام اسلامی در تضاد است و علیرغم آنکه جمهوری اسلامی ایران در زمان پیوستن به کنوانسیون حقوق کودک از حق تحفظ (حق شرط) استفاده نموده، اما از سوی کمیته حقوق کودک به عنوان رکن ناظر و تفسیرکننده کنوانسیون، به نقض حقوق کودک محکوم شده است.^{۲۸}

در ادامه باید چنین اشاره نمود که تساوی جنسیتی مورد تأکید در سند ۲۰۳۰ به معنای تشابه تام و کامل دو جنس زن و مرد در کمیت و کیفیت آموزشی، بدون توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد زیستی، روانی، اجتماعی، فرهنگی و ... ایشان است. در نقطه مقابل، بند ۱۶ بیانیه ارزشی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از کلیدواژه عدالت تربیتی سخن بمیان می‌آورد و مقرر می‌دارد: «عدالت تربیتی در ابعاد کمی، همگانی و الزامی و عدالت کیفی با رعایت تفاوت‌های فردی، جنسیتی، فرهنگی و جغرافیایی از گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی کشور است». در

واقع عدالت در بعد کمی ضرورت آموزش همگانی را تبیین می‌کند، اما از منظر کیفی متأثر از تفاوت‌های جنسیتی و انسانی است.

کلیشه‌های جنسیتی

یکی از زیرمجموعه‌های بحث تساوی جنسیتی، محو کلیشه جنسیتی (Gender Stereotyping) است که در بند ۲۰ چارچوب اقدام، صراحتاً مورد تأکید قرار گرفته است. در بخشی از این بند آمده است:

دولت‌ها و سایر اعضای این سند باید سیاست‌ها، برنامه‌ها و محیط‌های آموزشی جنسیت‌محور را مد نظر قرار داده و موضوعات مربوط به جنسیت را در فرآیند آموزش دبیران و فرآیند نظارت بر محتوای برنامه درسی بگنجانند. همچنین باید هرگونه تبعیض بر پایه جنسیت و خشونت مبتنی بر آن را حذف کنند تا اطمینان حاصل شود که آموزش و یادگیری اثر برابری بر دختران و پسران و زنان و مردان داشته است. همچنین باید کلیشه‌های جنسیتی نیز حذف شوند و تساوی جنسیتی پیشروی نماید.

کلیشه جنسیتی از منظر کمیساریای عالی حقوق بشر عبارت است از:

یک دیدگاه کلی یا یک پیش‌فرض درباره ویژگی‌ها و شاخص‌هایی که باید از سوی زنان و مردان ایفا شود و یا نقش‌هایی که از سوی آنان بر عهده گرفته شود. این کلیشه‌ها مانع زنان و مردان در به‌فعل رساندن توانایی‌ها، رسیدن به خواست‌ها و تمایلات، انجام امور تخصصی و انتخاب سبک زندگی دلخواهشان می‌شود.^{۲۹}

بنا بر این تعریف، کمیساریای عالی حقوق بشر، هر آن چه پیش‌فرض یا تفکر نقش‌مدار انسان را رقم بزند؛ اعم از ایجاد نقش‌های هویتی همانند مادری، همسری، شوهری و ... نوعی کلیشه جنسیتی است؛ چرا که هر نقشی که مانع به‌فعل رساندن توانایی‌ها، خواست‌ها و تمایلات ایشان شود، مردود است. این مهم پیش از این در قطعنامه‌های مجمع عمومی ملل متحد بویژه در اسناد منتشرشده از دهه سازمان ملل

برای زنان (۱۹۷۵-۱۹۸۵) مورد تأکید قرار گرفته شده بود و کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان نیز بدان اشاره کرده بود (Ichou, 2006, p.101).

دقیقاً بر خلاف آنچه به عنوان نفی کلیشه‌های جنسیتی در پارادایم فکری سند ۲۰۳۰ بیان شده، هویت نقش‌مدار انسانها بویژه زنان در بستر خانواده و جامعه مورد اهتمام نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است. از جمله آنکه در مقدمه سند منشور حقوق و مسؤولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی به این امر اشاره شده است:

به جهت اشتراک زن و مرد در حقیقت انسانی، در بیشتر موارد زن و مرد در نظام حقوقی اسلام از حقوق و مسؤولیت‌های یکسان برخوردار می‌باشند. تفاوت در حقوق و مسؤولیت‌ها امری است که نشان‌دهنده برتری جنسی بر جنس دیگر نمی‌باشد و عمدتاً مولود عناوین حقوقی خاصی است که هر یک از زن و مرد به تناسب نقش‌های ویژه و بدل‌ناپذیر در خانواده پیدا می‌کند.

گروه‌های آسیب‌پذیر

بنا بر تعریف ارائه‌شده از سوی سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۰۲ میلادی، آسیب‌پذیری به وضعیتی اطلاق می‌شود که بر پایه آن گروه، جمعیتی از افراد یا سازمانی قادر به مشارکت، انطباق، سکونت و بازیابی از شرایط بحرانی و فاجعه‌آمیز نباشد.^{۳۰} در اینکه چه مصادیقی مشمول عنوان گروه‌های آسیب‌پذیر (Vulnerable Groups) می‌شوند، اندک اختلافاتی وجود دارد، اما نکته حائز اهمیت آن است که دگرباشان جنسی از منظر بسیاری از نهادهای حقوق بین‌المللی و حقوق بشری در این دسته جای گرفته‌اند. از جمله این نهادها و اسناد می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در قطعنامه‌های
E/CN.4/RES/2005/59 AT PARA.5 (2005, April, 20),
E/CN.4/RES/2003/67 AT PARA.4 (2003, April, 21),
E/CN.4/RES/2004/67 AT PARA.4 (2004, April, 21),
E/CN.4/RES/2002/77 AT PAPA.4 (2002, April, 25).

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در دو نظر مشورتی
GENERAL COMMENT NO.20 PAR...27 (2009, July, 2),
GENERAL COMMENT NO.14 PARA. 43 a (2000, August, 11).

کمیته حقوق کودکان در نظریه عمومی
GENERAL COMMENT NO.13 PARA.60-72 (2011, April, 8)

بر آسیب‌پذیر بودن دگرباشان جنسی از جمله کودکان صحنه‌گذارده و ضرورت دفاع و محافظت از حقوق ایشان را بر کشورها فرض گرفته‌اند. بنابراین، قدر متیقن آن است که افراد آسیب‌پذیر و کودکان آسیب‌پذیر قیدشده در سند آموزش ۲۰۳۰ مشتمل بر دگرباشان جنسی نیز هست و علاوه بر این مطلب، نباید فراموش نمود که یکی از نکات محوری و کلیدی در تغییر محتوای آموزشی، محو کلیشه‌های جنسیتی بوده است. یکی از عمده‌ترین کلیشه‌های جنسیتی موجود از جمله در عرصه بین‌المللی، رویکرد تبعیض‌آمیز نسبت به دگرباشان جنسی و نادیده گرفتن حقوق ایشان است. بنابراین، کشورهایی که اجماع خود را در قبال سند آموزش ۲۰۳۰ یونسکو اعلام کرده‌اند، باید محتوای کتب درسی و آموزشی را از چنین تبعیضاتی پاک نموده و حق دگرباشان جنسی را چه در دریافت آموزش و چه در به رسمیت شناختن حقوق جنسی ایشان بپذیرند بویژه آنکه سازمان بهداشت جهانی بطور رسمی در سال ۱۹۹۲ دگرباشی و همجنس‌خواهی را از فهرست بیماری‌ها و مشکلات روانی مرتبط با بهداشت خارج کرده است و اساساً تمایلات هم‌جنس‌خواهانه در هیچیک از گروه‌های بیماری جسمی یا روانی طبقه‌بندی نمی‌شود.^{۳۱}

آموزش جامع جنسیتی

از دیگر اصطلاحات کلیدی سند ۲۰۳۰ آموزش، می‌توان به مسأله آموزش جامع جنسیتی (Comprehensive Sexuality Education) اشاره نمود. این اصطلاح به معنای اطلاعات دقیق علمی راجع به رشد انسانی، آناتومی بدن و بهداشت باروری است و همچنین مشتمل بر اطلاعاتی راجع به پیشگیری از بارداری، زایمان و بیماری‌های مقاربتی از جمله ایدز است.^{۳۲}

آنچه سبب نگرانی از لزوم آموزش چنین محتوایی در مدارس می‌شود، عبارت است از نادیده گرفتن اقتضائات سنی، شخصیتی - روانی و جسمی کودکان و نوجوانان و ارائه این اطلاعات بصورت فراگیر و در منظومه آموزش برابر و مادام‌العمر به همگان! مجموعه آموزش‌های سازمان ملل در رابطه با آموزش جامع جنسیتی به کودکان با موضوعاتی نظیر ترویج سقط جنین بهداشتی! گرایش‌های جنسی (به رسمیت شناختن دگرباشان جنسی) و سایر موضوعات در آدرس الکترونیکی CSE.org قابل ملاحظه است (Slater, 2016, p.15).

«شارون اسلاتر»^{۳۳} مدیر عامل مؤسسه بین‌المللی دیده‌بان خانواده^{۳۴} و عضو انجمن حقوق خانواده سازمان ملل متحد،^{۳۵} این مسأله را به خوبی موشکافی کرده است. وی معتقد است آموزش جامع جنسیتی یکی از بزرگترین نقض‌های بین‌المللی در قبال سلامت و منافع کودکان است که با اصرار فراوان کشورهای توسعه‌یافته و همکاری سازمان ملل در اهداف فرعی سند ۲۰۳۰ گنجانده شده است. این اصطلاح، نه تنها آموزش سنتی - که رفتار نرمال و سالم جنسی را آموزش می‌داد - را نقض می‌کند، بلکه با بیان مطالب صریح و بی‌پرده، رفتارهای جنسی پرخطر و بی‌قاعده را به کودکان می‌آموزد. غایت نهایی این برنامه، تغییر هنجارهای جنسی و جنسیتی و بزعم نویسندگان سند ۲۰۳۰، تغییر سبک زندگی به سمت زندگی پایدار و محور کلیشه‌های جنسیتی است (Slater, 2016, p.16).

نکته تأسف بار آن است که سکاندار و پرچمدار اصلی این قبیل آموزش‌ها، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی هستند. سازمان بهداشت جهانی استانداردهای آموزش جنسی به کودکان را چنین تشریح کرده است:

از زمان نوزادی تا سن ۴ سالگی، آموزش رفتارهای جنسی شخصی، از ۴ تا ۶ سالگی، آموزش در مورد هنجارهای مختلف پیرامون تمایلات جنسی، از ۶ تا ۹ سالگی، آموزش در مورد شیوه‌های مختلف پیشگیری از بارداری و ابراز علاقه به همجنس، از ۹ تا ۱۲ سالگی، آموزش راجع به لذت جنسی و حقوق جنسی، از ۱۲ تا ۱۵ سالگی، آموزش در مورد گرایش جنسی و هویت

جنسیتی، از ۱۵ سال به بعد، آموزش در رابطه با دیدگاه‌های انتقادی پیرامون هنجارهای مذهبی و فرهنگی گوناگون و احترام به تفاوت‌های جنسی (همان). اگرچه موارد مذکور جنبه توصیه‌ای دارند، اما به خوبی گویای جهت‌گیری سازمان‌های بین‌المللی در زمینه آموزش جنسی یکپارچه و همگانی در اسنادی نظیر سند آموزش ۲۰۳۰ یونسکو می‌باشند. باید یادآور شد که از جمله مؤلفه‌های اساسی آموزش جامع جنسیتی عبارت است از: بهداشت باروری و جنسی برای کودکان و نوجوانان که دستیابی به آن در منظومه اسناد توسعه پایدار، از جمله شاخص‌های تعیین توسعه‌یافتگی کشورها تلقی می‌شود. این مسأله تلویحاً در بند ۱-۴ گزارش گروه متخصصان و آژانس تخصصی توسعه قید شده است (E/CN.3/2016/2/Rev.1, 2016, February, 19).

خشونت

در نهایت از دیگر کلیدواژه‌های چالش‌برانگیز سند ۲۰۳۰ آموزش، تأکید بر محور کلیه مفاهیم مرتبط با خشونت (Violence) از سیستم آموزشی است. در بند ۷ از هدف ۴ ذکر شده که تمامی یادگیرندگان باید دانش و مهارت لازم برای پیشبرد توسعه پایدار و در کنار آن سبک زندگی پایدار و آموزش حقوق بشر، تساوی جنسیتی، ارتقای فرهنگ صلح و مقابله با خشونت، شهروندی جهانی و احترام به تنوع فرهنگی را بیاموزند.

در پاراگراف ۲۰ بیانیه اینچئون یکی از دستاوردهای مقابله با تبعیض و خشونت، محور کلیشه‌های جنسیتی و ایجاد تساوی جنسیتی است. در پاراگراف ۵۴ چارچوب اقدام، مصادیق بیشتری از خشونت مطرح شده است. از منظر سند ۲۰۳۰ آموزش، ازدواج کودکان، بارداری زودهنگام و برعهده‌گرفتن وظایف خانه‌داری در سنین کودکی از جمله مصادیق خشونت جنسیتی هستند. البته سند به این مسأله نمی‌پردازد که چگونه از یک‌سو آموزش جنسی و آزادی روابط جنسی در کودکی را مجاز می‌شمرد و از سوی دیگر، چارچوب قانونی و شرعی بخشیدن به آن (ازدواج تا پیش از ۱۸ سال بنا بر مصلحت کودک) را خشونت می‌انگارد. در واقع ضابطه و ملاک مواجهه سند با این مسأله از منطقی دوگانه پیروی می‌کند. بنظر می‌رسد آموزش جنسی به کودکان در سنین

نامناسب و بیداری زود هنگام شهوت در ایشان از مصادیق خشونت علیه کودک و بر خلاف مصلحت عالیّه وی باشد.

علاوه بر مؤلفه‌های چالش برانگیز فوق که وجه محتوایی سند ۲۰۳۰ را نمایان می‌سازد، بایستی به این امر توجه داشت که اسناد حقوق بشری جدید، سازوکار منحصر به فردی در فضای بین‌الملل رقم زده‌اند که ضمن ایجاد چالش برای برخی کشورها، نحوه رویارویی و مواجهه با آنها متفاوت است.

سازوکارهای حقوق بشری نوین و تناقض فرهنگی

اسنادی نظیر اسناد توسعه پایدار که در چارچوب اجماع جهانی و توسط نهادهای عام سازمان ملل از جمله مجمع عمومی تهیه و تنظیم می‌گردند، از نظر ساختار تابع قواعد شکلی حاکم بر کنوانسیون‌های بین‌المللی نیستند، بلکه قالب منحصر به فرد خود را دارند. در فرهنگ لغات و اصطلاحات و همچنین کتب مرجع حقوقی، تفاوت میان «دستور کار»^{۳۶} و «کنوانسیون»^{۳۷} چنین بیان شده است. دستور کار عبارت است از: «یادداشت و فهرستی از امور و آنچه بایستی انجام شود» (آقایی، ۱۳۹۲، ص ۵۴) و کنوانسیون عبارت است از: «قرارداد و پیمانی بین‌المللی و چندجانبه با ضمانت اجرای مؤثر» (همان، ص ۳۲۵). کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی همواره به عنوان یکی از منابع مسلم حقوق بین‌الملل بوده و هستند (وکیل، ۱۳۹۰، ص ۵۰).

ساختار شکلی سند توسعه پایدار که از نوع دستور کار است با کنوانسیون‌های حقوق بشری تفاوت‌های خاصی دارد. علیرغم کاربرد اصطلاحاتی چون «باید»، «متعهد می‌شوند» و ... در متن هر دو سند توسعه پایدار و آموزش یونسکو، اسناد این چنینی که خارج از چارچوب معاهده و با قصد عدم ایجاد تعهد سخت بین‌المللی شکل گرفته‌اند، الزام حقوقی معاهدات و قراردادهای بین‌المللی را به همراه ندارند، بلکه اسنادی بالادستی و توصیه‌ای تلقی می‌گردند که با گذشت زمان و ایجاد اجماعی جهانی قابلیت تبدیل به معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی را دارند. این مسأله در خصوص اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز پیش از این محقق شده است.

در عین حال، باید مسأله دیگری را نیز در نظر گرفت. سند چارچوب اقدام ۲۰۳۰، در تشریح جایگاه خود در بند ۱۰، متذکر می‌شود که تمامی اصول یادشده در این چارچوب اقدام، برگرفته از اسناد و معاهدات بین‌المللی از جمله ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون منع تبعیض در آموزش، کنوانسیون حقوق کودک، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون ملل متحد راجع به افراد دارای معلولیت، کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان و قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد راجع به آموزش در وضعیت‌های ضروری است. این مسأله بدین معنا است که سند ۲۰۳۰ در مقام بیان قواعد معاهداتی و عرفی، الزام‌آور است. هنگامی که قطعنامه‌ها و اسناد بین‌المللی صراحتاً یا بطور ضمنی قرینه‌ای بر ادعای اعلام قواعد الزام‌آور ارائه دهند، می‌توان آنها را مورد عرف بین‌المللی دانست (همان، ص ۷۶).

بنابراین، اگرچه سند ۲۰۳۰ آموزش یونسکو و دستور کار توسعه پایدار، از نظر شکلی معاهداتی الزام‌آور نیستند، اما ماهیتاً پرده از عرف بین‌المللی برداشته‌اند. این امر، در نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده مشروعیت تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای نیز ذکر شده است: «قطعنامه‌های مجمع عمومی در شرایط خاصی می‌توانند دلیل مهمی در اثبات وجود یک قاعده یا ظهور اعتقاد حقوقی نسبت به یک قاعده باشند» (ICJ, 1996, p.226; Para. 70).

بنابراین، سند ۲۰۳۰ آموزش، از نظر شکلی بیان‌کننده وجود یک عرف بین‌المللی در امر آموزش یا ظهور اعتقادی نوین (آموزش برابر و فراگیر و مادام‌العمر برای همه) در رویه بین‌المللی است که تخطی از مفاد آن می‌تواند بار مسئولیت بین‌المللی برای کشورهای عضو را به بار آورد و بویژه با تحمیل رویکردها و سیاست‌های خاص خود، حاکمیت طاغوت بر مناسبات کشورهای اسلامی را رقم زند.

مواجهه جمهوری اسلامی ایران با سند ۲۰۳۰

با روشن شدن ساختار شکلی سند، حال می‌توان عملکرد جمهوری اسلامی ایران

در قبال این سند را بررسی کرد. مسأله مواجهه جمهوری اسلامی ایران با سند ۲۰۳۰ با دو رویکرد مختلف و متفاوت همراه بوده است. از یک سو نماینده دولت جمهوری اسلامی ایران در تمامی نشست‌ها و جلسات تهیه و تنظیم متن اسناد توسعه پایدار و آموزش ۲۰۳۰ حضور به هم رسانید و این سند با نظر مثبت نماینده ایران به امضا رسید و تنها به قید یک حق تحفظ کلی بسنده شد و از سوی دیگر، از منظر راهبردی، رهبر انقلاب اسلامی ایران، امام خامنه‌ای، پذیرش چنین سندی را یک حرکت معیوب دانسته و حتی شورای عالی انقلاب فرهنگی را بواسطه عدم هوشیاری در این حوزه توبیخ نمود:

ما یک چیزی راجع به این سند ۲۰۳۰ آموزش و پرورش گفتیم، خب حرفهای گوناگونی هم اطرافش زده شد. این مسأله، خیلی مسأله مهمی است؛ همینطور که ایشان (آقای پارسانیا) اشاره کرد، این جزئی از یک سند بالادستی سازمان ملل - سند توسعه پایدار - است که یک بخش آن همین سند ۲۰۳۰ مربوط به آموزش و پرورش است. در واقع آنچه اینها در این سند توسعه پایدار - که از جمله این سند ۲۰۳۰ [در آن] هست - طراحی دارند می‌کنند و دست‌اندرکار هستند، این است که یک منظومه فکری و فرهنگی و عملی برای همه دنیا دارند جعل می‌کنند. این را چه کسی می‌کند؟ دست‌هایی پشت سازمان ملل وجود دارد. یونسکو اینجا یک وسیله است، یک ویتترین است، دست‌هایی نشسته‌اند، دارند برای همه چیز کشورهای دنیا و همه ملت‌ها یک منظومه تولید می‌کنند؛ منظومه‌ای که شامل فکر است، شامل فرهنگ است، شامل عمل است و این را دارند ارائه می‌دهند و ملت‌ها باید همه بر طبق این، عمل کنند. یک بخش آن هم بخش آموزش و پرورش است که همین سند ۲۰۳۰ است. خب این غلط است، این غلط است. اصلاً این معیوب است، این حرکت، حرکت معیوبی است... (خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۳/۳۱).

حالا بعضی‌ها می‌آیند می‌گویند آقا، مثلاً فرض کنیم ما تحفظ داده‌ایم یا گفته‌ایم فلان چیزش را قبول نداریم، نه، بحث سر اینها نیست. فرض کنیم در

این سند، هیچ چیز واضح بینی هم که مخالف با اسلام باشد، وجود نداشته باشد - که البته وجود دارد؛ آنهایی که خیال می کنند ما گزارش درست نگرفته ایم، نه، گزارش های ما گزارش های درستی است - حرف من این است که نظام آموزشی کشور نباید بیرون کشور نوشته بشود، حرف من این است ... (همان، ۱۳۹۶/۳/۱۷).

در واقع اساس عملکرد دولت وقت، در پذیرش و اجرایی سازی سند ۲۰۳۰ با رویکرد اصلی نظام اسلامی در نفی سلطه طاغوت و نفی سیل، متفاوت بود و همین امر، مواجهه کشور با سند مذکور را در دو قطبی قرار داد. مدافعان و بانیان امضای سند ۲۰۳۰ علیرغم مخالفت شدید رهبر انقلاب با پذیرش این سند، به حق تحفظ جمهوری اسلامی استناد می نمودند. در تحلیل اعمال این حق بر سند ۲۰۳۰ باید چند نکته حقوقی را متذکر شد: از نظر عهدنامه حقوق معاهدات وین ۱۹۶۹، رزرویشن (Reservation) یک اعلامیه یک جانبه است که هر کشور یا سازمان بین المللی در هنگام امضا، تصویب، قبولی، تصدیق معاهده، تأیید رسمی یا الحاق به آن معاهده صادر می کند و بوسیله آن، منظور خود را در مورد مستثنی کردن یا تغییر دادن اثر حقوقی برخی از مقررات آن معاهده اعلام می کند. این حق در مواد ۱۹ الی ۲۳ عهدنامه وین به صراحت بیان شده است. در زبان فارسی و ادبیات حقوقی، بجای رزرویشن از اصطلاحاتی نظیر حق شرط، حق تحفظ، تحدید تعهد، شرط یا تحفظ استفاده می شود. اعمال این حق، شرایط خاص خود را دارد:

۱. طبق متن صریح ماده ۱۹ و بند ۳ ماده ۲۰ عهدنامه وین، حقوق معاهدات حق شرط فقط و تنها و منحصرأ بر معاهدات (اعم از قراردادی یا قانون ساز الزام آور؛ مانند کنوانسیون حقوق کودک، میثاق بین المللی حقوق مدنی، سیاسی و ...) و اساسنامه سازمان های بین المللی (همانند سازمان بهداشت جهانی، یونسکو و ...) قابل اعمال است؛ آن هم در صورتی که چنین حقی در متن معاهده یا اساسنامه ذکر شده باشد و کشورهای طرف دیگر نیز بدان اعتراض نکرده باشند. بنابراین، بر روی قطعنامه های غیر الزام آور مجمع عمومی و سایر اسناد بین المللی مانند سند ۲۰۳۰ اساساً بی معنا است.

۲. با فرض پذیرش و قابلیت اعمال حق شرط بر سند ۲۰۳۰، باید سایر شرایط اعمال حق شرط را بررسی نمود. طبق بند ج ماده ۱۹ عهدنامه وین، شرط خلاف موضوع یا هدف معاهده باطل است. حال باید پرسید که آیا اعمال حق شرط از سوی ایران، خلاف موضوع یا هدف معاهده است؟ در پاسخ به این پرسش باید دو مسأله را ذکر نمود:

الف) حق شرط ایران بر سند ۲۰۳۰ دقیقاً همانند حق تحفظ کشور بر کنوانسیون حقوق کودک اعلام شده است که مقرر می‌دارد:

دولت جمهوری اسلامی ایران در مورد مقررات و موادی از کنوانسیون که ممکن است مغایر با شریعت اسلام باشد، اعمال رزرو می‌نماید و این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که هنگام تصویب نیز چنین رزروی را اعمال نماید. این شرط، کلی و مبهم است؛ یعنی به مفاد یا مواردی خاص اشاره نکرده، بلکه کلیت کنوانسیون و سند را در حوزه‌هایی که خلاف شرع یا قانون بوده یا در آینده خلاف آن باشد را به کلی زیر سؤال برده است. کنوانسیون حقوق کودک از جمله معاهدات حقوق بشری است که نه تعهدات متقابل دولت‌ها، بلکه تعهدات دولت نسبت به ملت و افراد را به نمایش می‌گذارد و هدف از این معاهدات، حمایت از حقوق افراد است. نظام حق شرط حاکم بر معاهدات حقوق بشری با سایر معاهدات متفاوت است. اعلام تحفظ بر کنوانسیون حقوق کودک از سوی ایران از جانب بسیاری از کشورهای طرف معاهده از جمله آلمان و حتی کمیته حقوق کودک مورد اعتراض قرار گرفته و فشار بین‌المللی بر برداشتن این حق شرط از سال ۲۰۰۵ میلادی همه‌ساله وضعیت حقوقی کشور را تضعیف می‌کند.

ب) حتی اگر از کلی و مبهم بودن حق شرط ایران صرف نظر کنیم، باید هدف و موضوع سند ۲۰۳۰ آموزش را در نظر بگیریم و شرط ایران بر آن را بسنجیم. هدف چهارم سند توسعه پایدار که موضوع اصلی سند آموزش ۲۰۳۰ را تشکیل می‌دهد، آموزش کیفی برابر و مادام‌العمر است و موضوع آن رفع تبعیض جنسیتی و تغییر محتوای آموزشی مطابق با اهداف یونسکو است.

از آنجا که اسناد حقوق بشری؛ اعم از کنوانسیون‌ها و دستور کارها، اسنادی جهانی تلقی می‌شوند، نسبت میان اجرای قواعد آنها با فرهنگ‌های متکثر و متفاوت، بنا بر اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی تبیین شده است.

مطابق با ماده ۴ اعلامیه جهانی، تنوع فرهنگی یونسکو که مقرر می‌دارد: «... هیچ‌کس نباید از تنوع فرهنگی به عنوان ابزاری علیه حقوق بشر استفاده کند و یا دامنه کاربرد آن را محدود نماید، بخصوص با توجه به این مطلب که حقوق بین‌الملل متضمن اجرای حقوق بشر است». طبق نص صریح این ماده، حقوق فرهنگی و تنوع فرهنگی هرگز نمی‌تواند مانعی در اجرای حقوق بشر باشد. بنابراین، استناد ایران به تنوع فرهنگی و تفاوت‌های شرعی و قانونی هرگز مستمسک قابل پذیرش بین‌المللی در نقض تعهدات حقوق بشری آن از جمله حق بر آموزش کیفی نیست.

با روشن شدن این مطلب می‌توان مدعی بود که اهداف توسعه پایدار از جمله هدف چهارم آن در آموزش کمی و کیفی آموزه‌های حقوق بشر غربی، همگی از جمله قواعد جهان‌شمولی هستند که نمی‌توان به استناد تنوع و تفاوت فرهنگی ناقض آنها، از اجرای آن صرف نظر نمود. با این وجود، مصادیق طرح شده در این سند از جمله حقوق باروری و بهداشت جنسی، آموزش جامع جنسیتی، کلیشه‌های جنسیتی و ... اصطلاحاتی نوین در عرصه حقوق بشرند که همچنان فاقد الزام جهانی‌اند و باید تا پیش از تبدیل شدن آنها به عرف الزام‌آور و قاعده آمره، اجماع مخالفی را شکل داد. راه حل برون‌رفت از این چالش بین‌المللی برای کشورهای نظیر جمهوری اسلامی ایران که از نظر ماهیت قوانین و مقررات در پارادایم متفاوتی به سر می‌برند، عبارت از عدم اجماع بر روی نقاط چالش‌برانگیز و ایجاد جبهه جدید با ادبیات مستقل بین‌المللی در این حوزه است. در غیر این صورت، نمی‌توان قاعده نفی سبیل را در این حوزه اجرا نمود و باید شاهد تصمیم‌گیری کفار و مستکبران در حوزه سیاستگذاری و قانونگذاری ملی در بخش آموزش بود.

با توجه به این سازوکار نوین حقوق بشری که از قالب نَرم برای تحقق اهداف استکباری بهره می‌برد، باید مدل نوینی از مواجهه را طراحی و پیاده نمود. در برابر اسناد هنجاری چون دستور کار و بیانیه، دیگر نمی‌توان به سلاح حق شرط تمسک جست؛

چرا که فارغ از محدودیت‌های اجرایی آن، اساساً حق شرط راه چاره نیست. بستر رویارویی جمهوری اسلامی ایران با اسناد نوین حقوق بشر در زمین ایجاد گفتمان جدید و یارگیری جهانی و منطقه‌ای محقق می‌شود.

با توجه به برنامه هوشمند و هدفمند رهبر معظم انقلاب در حفظ استقلال کشور و سرسپردن به منابع ارزشمند معنوی اسلام ناب در طراحی نظام آموزش رسمی عمومی کشور، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند ضمن مخالفت صریح در فرآیند نگارش و تصویب این قبیل اسناد، از حضور فعال و مؤثر خود در ایجاد جبهه جدیدی از کشورهای مخالف نظام غربی استفاده کرده و حتی‌الامکان رویارویی تمدنی خود با غرب فلسفی را در بعد «توسعه» با تقویت ادبیات و گفتمان «پیشرفت» پررنگ سازد. رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی در این زمینه می‌فرماید:

خب ما از چند سال قبل از این آمدیم گفتیم «الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت»، بنده کلمه توسعه را هم عمداً بکار نبردم. آقایانی که مسئول این کار هستند و از آن وقت، ما با اینها ارتباط داریم، می‌دانند، بنده عمداً گفتم کلمه توسعه را من بکار نمی‌برم؛ چون کلمه توسعه یک کلمه غربی است، یک مفهوم غربی دارد، من کلمه پیشرفت را بکار می‌برم، الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی. خب این الگو را بگردیم پیدا کنیم ... (همان، ۱۳۹۶/۳/۳۱).

همچنین ایشان در باب ارتباطات جهانی و تعامل با دنیا متذکر شده‌اند:

عزت یک ملت در سیاست‌های گوناگون و در تعاملش با کشورهای دیگر و دولت‌ها و قدرت‌ها این است که از استقلال رأی برخوردار باشد. یک دولت، یک نظام در مقابل قدرت‌ها آنچنان ظهور کند که نتوانند در هیچ مسأله‌ای اراده خودشان را بر او تحمیل کنند (همان، ۱۳۸۸/۳/۱۴).

بنابراین، راهبرد و نحوه مواجهه جمهوری اسلامی ایران با اسناد حقوق بشری از جمله سند ۲۰۳۰ بایستی مشتمل بر حضور مقتدرانه و مستقلانه در فضای بین‌المللی، ایجاد گفتمان‌های نوین بر پایه نیازهای فطری مشترک انسانی و ایجاد جبهه جدیدی در برابر جبهه استکباری باشد.

نتیجه‌گیری

از مجموع داده‌های بدست‌آمده و تحلیل‌های صورت‌گرفته در متن پژوهش پیش رو می‌توان چنین جمع‌بندی نمود که:

۱. ادبیات توسعه از دیرباز بواسطه سابقه تاریخی خود، محملی برای استثمار و استعمار دول ضعیف بوده است. تا پیش از پایان دوره استعمار کهن، این اصطلاح راهبردی برای تسلط امپریالیسم آمریکایی بر جهان و همچنین مقابله با قدرت اتحاد جماهیر شوروی بود و بعد از پایان جنگ جهانی دوم و تغییر بافت سیاسی بین‌المللی از جمله فروپاشی شوروی، دستمایه سیاست تاراج دول زورمدار غربی نسبت به منابع دول فقیر شد.

۲. پیوند ادبیات توسعه‌محور با محیط زیست پیرامون بشر و بمیان‌آمدن اصطلاحاتی چون امنیت انسانی، سبک زندگی پایدار و ... راه حل برون‌رفت از بحران شکل‌گرفته بر کره زمین را در پیشبرد اهداف توسعه پایدار بویژه آموزش در منظومه فکری - فلسفی غربی خلاصه نمود. در این میان، سند ۲۰۳۰ آموزش یونسکو و سند پشتیبان آن؛ یعنی سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ مجمع عمومی ملل متحد از جمله اسنادی هستند که علیرغم غیر الزام‌آور بودن، تبعات سنگین و جبران‌ناکردنی بر ساختار فرهنگی، سیاسی، قانونی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه بویژه جمهوری اسلامی ایران بر جای می‌گذارند و راه را بر تسلط بیگانگان می‌گشایند.

۳. القای مؤلفه‌هایی چون آموزش جامع جنسیتی، محو کلیشه‌های جنسیتی، تشابه حقوق زن و مرد، منع تبعیض و ... در این چارچوب به عنوان مؤلفه‌های سنجنش توسعه‌یافتگی در امر آموزش و همچنین سایر اهداف و راهبردهای سند توسعه پایدار، مانع از دستیابی حقیقی کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته جهان به عدالت و توسعه حقیقی می‌گردد. شایان ذکر است که رشد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی در هر کشوری بر پایه فرهنگ بومی و ملی آن و نه در چارچوب جهان‌شمولی تحمیلی قابل تحقق است.

۴. حضور مقتدرانه در نشست‌ها و محافل تعامل بین‌المللی پیرامون حقوق بشر و توسعه پایدار، حتی‌الامکان توافق و ایجاد حلقه موافقان برای رویارویی با برخی از اهداف کشورهای توسعه‌یافته و در عین حال، عدم اجماع بر سر موضوعات چالش‌برانگیز و محل مناقشه می‌تواند راهبرد مؤثرتری در خصوص چنین اسنادی باشد.

مضافاً آنکه تهیه و تدوین چارچوب ملی اقدام برای پیاده‌سازی اهداف اسنادی این چنین، بیش از آنکه سبب تعالی جامعه و رشد استعدادها گردد، به زیرساخت‌های آموزشی و فرهنگی بومی آسیب وارد می‌آورد.

۵. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با تکیه بر منابع غنی معرفتی - الهی اسلامی، تمسک به نص صریح قرآن و الگوگیری از سیره و منش ائمه طاهرين : و البته ابتدای بر اسناد بالادستی نظام اسلامی، مدل منحصر به فرد تعالی و توسعه جهانی را طراحی و ارائه کند تا علاوه بر ایجاد وجهه بین‌المللی، راه حل برون‌رفت از بحران جهانی در حوزه‌های مختلف زیست‌محیطی، بهداشتی، حقوقی و ... را تدوین و ترویج کند.

یادداشت‌ها

1. Adam Smith.
2. The Wealth of Nations.
3. Economic Development.
4. Sustainability.
5. Worsley.
6. Human Security Doctrine.
۷. بند ۱ ماده ۱: «اعلامیه راجع به حق توسعه» مقرر می‌دارد: «حق توسعه، یک حق مسلم بشری است که به موجب آن هر فرد انسانی و همه مردم استحقاق مشارکت، سهیم شدن و برخورداری از توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را دارند؛ به نحوی که در آن همه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی کاملاً تحقق می‌یابند».
8. David Bartecchi.
9. Village Earth/Colorado State University online certificate program in Community-Based Development.
10. Marshall Plan.
11. containment doctrine.
12. Modernization Theory.
13. Walt Rostow.
14. The Stages of Economic Growth: A non-Communist Manifesto.
15. Rachel Carson.

16. Silent Spring.
17. Earth Summit.
18. Agenda 21.
19. Education, Public Awareness and Training.
20. Education for Sustainable Development Goals; Learning Objectives.
Available at: [unesdoc.unesco.org/ Images/0024/002474/247444e.pdf](http://unesdoc.unesco.org/Images/0024/002474/247444e.pdf).
21. Incheon Declaration.
22. Framework For Action.
۲۳. بند ۶ اصل دوم: «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسؤولیت او در برابر خدا». اصل پنجاه و ششم: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است...».
۲۴. عدم تبعیض بر پایه جنسیت عبارت است از: عدم اعمال هرگونه تفاوت میان جنسیت‌های مختلف؛ اعم از زن، مرد، تراجنسی‌ها، دوجنسی‌ها و... .
۲۵. عدم تبعیض بر پایه تولد بدین معنا است که نباید میان کودکان حاصل از ارتباط نامشروع و مشروع تفاوتی قائل شد. تولد خارج از چارچوب شرعی و قانونی؛ یعنی ولدالزنا (Out of Wedlock) همانند فرزندان حاصل از ازدواج‌های قانونی و شرعی از حقوق مساوی برخوردارند.
26. "The Child's Right to Education is not only a matter of access but also of Content" <http://www.unesco.org/new/en/education/themes/leading-the-internationalagenda/right-to-education/monitoring/collaboration-unesco-un/un-crc> .
27. Free Society.
۲۸. به عنوان نمونه، در سال ۲۰۱۶ میلادی کمیته حقوق کودک با همکاری گزارشگران کشوری (Country Raporteurs) به مواردی از نقض حقوق کودک توسط جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده است. بر طبق این گزارش، عدم لغو حق شرط جمهوری اسلامی بر روی سند، علیرغم اعتراض سایر کشورهای عضو کنوانسیون، وجود مقررات کیفری و قوانین جزایی علیه کودکان کمتر از ۱۸ سال، وجود حجاب اجباری برای دختران و ... مورد ایراد و اعتراض قرار گرفته است (<http://www.ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=16940&LangID=E>).
29. <http://www.ohchr.org/EN/Issues/Women/WRGS/Pages/GenderStereotypes.aspx>.
30. http://www.who.int/environmental_health_emergencies/vulnerable_groups/en/.

31. <http://www.who.int/bulletin/volumes/92/9/14-135541/en/>.
32. "Comprehensive sexuality education includes scientifically accurate information about human development, anatomy and reproductive health, as well as information about contraception, childbirth and sexually transmitted infections (STIs), including HIV. www.unfpa.org/comprehensive-sexuality-education.
33. Sharon Slater.
34. Family Watch International.
35. UN Family Rights Caucus.
36. Agenda.
37. Convention.

منابع و مأخذ

۱. آقایی، بهمن، فرهنگ حقوقی بهمن، تهران: انتشارات گنج دانش، چ ۵، ۱۳۹۲.
۲. آقایی، سید داوود، «راهبردهای توسعه پایدار در سازمان ملل متحد»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۵۹، بهار ۱۳۸۲.
۳. تونی، دیویس، اومانسیم، ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز، ۱۳۷۸.
۴. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران، ۱۳۹۶/۳/۳۱.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۶/۳/۱۷.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در مراسم بیستمین سالگرد ارتحال امام خمینی، ۱۳۸۸/۳/۱۴.
۷. زاهدی، شمس‌السادات، نجفی، غلامعلی، «بسط مفهومی توسعه پایدار»، مدرس علوم انسانی، دوره دهم، ش ۴۹، زمستان ۱۳۸۵.
۸. شریفی طرازکوهی، حسین و مصطفی‌لو، جواد، «مبانی هنجاری دکترین امنیت انسانی»، فصلنامه آفاق امنیت، سال نهم، ش ۳۳، زمستان ۱۳۹۵.
۹. فراهانی‌فرد، سعید، «درآمدی بر توسعه پایدار در عصر ظهور»، اقتصاد اسلامی، ش ۲۰، زمستان ۱۳۸۴.
۱۰. مشهدی، علی، «از توسعه پایدار تا توسعه پای‌دار! تأملی بر کتاب حقوق محیط زیست و توسعه پایدار»، نقد کتاب فقه و حقوق، ش ۱، بهار ۱۳۹۴.
۱۱. مقدمی، نیلوفر، «بررسی تطبیقی حق جنین بر سلامت در نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا»، پایان‌نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق ۷، پردیس خاوران، بهمن ۱۳۹۱.

۱۲. مولانا، حمید، گذر از نوگرایی ارتباطات و دگرگونی جامعه، ترجمه: یونس شکرخواه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، ج ۲، ۱۳۸۷.
۱۳. وکیل، امیر ساعد، ضمانت اجرای حقوق بنیادین بشر، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۰.
14. Bartocchi, David, "A Brief History of International Development Theories and Practices"; available at: <http://www.villageearth.org/pages/training/a-brief-history-of-international-development-theories-and-practices>, 2015.
15. Braden, Su; Mayo, Marjorie, "Culture, Community Development and representation"; *Community Development Journal*, Vol. 34; No. 3, 1999.
16. Flint, R. Warren; Houser, W.L; *Living a Sustainable Lifestyle for Our Children's Children*; Authors Choice Press, 2001.
17. General Assembly, "Declaration on the Right to Development"; available at: www.un.org/documents/ga/res/41/a41r128.htm, 1986.
18. <http://www.ohchr.org/EN/Issues/Women/WRGS/Pages/GenderStereotypes.aspx>
19. <http://www.ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=16940&LangID=E>
20. <http://www.unesco.org/new/en/education/themes/leading-the-internationalagenda/right-to-education/monitoring/collaboration-unesco-un/un-crc/>
21. <http://www.who.int/bulletin/volumes/92/9/14-135541/en/>
22. <https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/11803Official-List-of-Proposed-SDG-Indicators.pdf> "Report of the Inter-Agency and Expert Group on Sustainable Development Goal Indicators (E/CN.3/2016/2/Rev.1)
23. Ichou, Claire, "Sex Roles and Stereotyping: Experiences of Motherhood in South Africa"; *Agenda: Empowering Women for Gender Equity*; No. 69, 2006.
24. ICJ Report and advisory opinion, "Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons"; available at: www.icj-cij.org/files/case-related/95/095-19960708-ADV-01-00-EN.pdf, 1996.

25. James, Paul, "Post-Dependency: The Third World in an Era of Globalism and Late Capitalism"; *Alternatives: Social Transformation and Human Governance*; Vol. 22; No. 2, 1997.
26. Lemons, John; Brown, Donald, *Sustainable Development: Science, Ethics, and Public Policy*; Kluwer Academic Publisher, 1995.
27. Lucena, Cicero; Gummer, John, "Why Rio failed in the past and how it can succeed this time"; available at: <https://www.theguardian.com/environment/2012/jun/12/rio20-agenda-politicians-john-gummer>, 2015.
28. OHCHR, "Sexual and reproductive health and rights"; available at: <http://www.ohchr.org/EN/Issues/Women/WRGS/Pages/HealthRights.aspx>, 2015.
29. Patriota, Antonio, "Rio+20: protecting the environment is not enough"; available at: <https://www.theguardian.com/commentisfree/2012/jun/20/rio-20-protecting-environment>, 2012.
30. Paull, John, "The Rachel Carson Letters and the Making of Silent Spring"; *Sage Open Journal*; Vol. 3; Issue. 3, 2013.
31. Roosa, Stephen A. *Sustainable Development Handbook*; the Fairmont Press Inc, 2010.
32. Schmuck, peter; Schultz, Wesley p., *Psychology of Sustainable Development*; Kluwer Academic Publishers, 2002.
33. Slater, Sharon, "An Analysis of the UN 2030 Sustainable Development Agenda; The Hidden Threat to Life, Family, and Children"; available at: www.familywatchinternational.org/fwi/documents/SDG_Analysis1_22_16_000.pdf, 2016.
34. UNESCO, 2017.September, 7, "Education for Sustainable Development Goals: Learning Objectives", available at: unesdoc.unesco.org/Images/0024/002474/247444_e.pdf.
35. unesdoc.unesco.org/images/0024/002474/247444e.pdf.
36. UNFPA, 2016. September, 30, "comprehensivesexualityeducation", available at: www.unfpa.org/comprehensive-sexuality-education.